

دولت و صندوق‌ها

به عنوان یک ناظر و تنظیم‌کننده مقررات و قوانین عمل می‌کند و درست مثل داوری است که در وسط زمین سوت می‌زند تا خلافی ایجاد نشود. نقش دولت فقط همین است.

تجربه‌های کشورهای آلمان و ژاپن در بحث صندوق‌های صنعتی این است که دولت اجبار می‌کرد تا کارگران بیمه شوند. این صندوق‌ها را باید خودشان اداره می‌کردند و دولت هم کمکشان می‌کرد. یک دولتی وجود دارد که منافع کارگر را می‌تواند تنظیم کند. اینجا شما صندوق‌های شبه خصوصی تشکیل می‌دهید. دقت کنید قدرت تنظیم‌گری ساده‌تر از قدرت تصدی نیست. این کار ساده‌ای نیست که در صندوق‌ها اعمال شود. کار صندوق‌ها از کار بانک‌ها بسیار پیچیده‌تر است. در بانک‌ها من امروز پس انداز می‌کنم و هر لحظه می‌توانم پولم را برداشت کنم؛ ولی در صندوق‌ها پول باید نگهداری شود. در آینده باید از آن استفاده کنم و یک دولت و سیستمی باید وجود داشته باشد که این میزان پول من را خراب نکند. در ایران چنین چیزی وجود ندارد. در کشورهای درحال توسعه پیچیده‌ترین محاسبات آماری در صنعت بیمه‌ها وجود دارد. بنابراین اینکه ما بگوییم این را به بخش خصوصی واگذار کنیم چه چیزی می‌شود و چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد؟ در ژاپن دولت از روز اول گفت که می‌خواهیم کارگران، صندوق بازنشستگی داشته باشند که اینها بین صنایع شیف‌ت نکنند. در دولت آلمان می‌گفتند ما یک صندوق تأسیس کنیم کارگران به انگلستان و آمریکا مهاجرت نکنند و امنیت سالمندی حفظ شود. در این تجربه‌ها می‌بینید که جامعه مدنی شکل گرفته است؛ ولی در ایران آن جامعه مدنی که می‌خواهد حقوق مردم را تأمین کند، کجاست؟

❖ **توصیه خصوصی سازی صندوق‌ها کلی است. راه‌حلی که خیلی‌ها برای صندوق‌ها در نظر می‌گیرند میرایی صندوق‌های موجود است. به‌طوری‌که صندوق‌ها فعالیت‌هایشان تمام شود و صندوق‌های خصوصی ادامه راه را بدهند. نظراتان در این خصوص چیست؟**

در بحث حساب‌های انفرادی، میرایی هم جزء پیشنهادات است ولی زمانی که بخش خصوصی ایجاد می‌شود از اول متقدنان به این فکر می‌کردند که خصوصی سازی صورت نمی‌گیرد و بدتر از دولتی می‌شود. مثل داستان خصوصی سازی در اروپای شرقی. در صندوق‌ها اینکه محاسبات بیمه‌گری درست انجام شود و تصویر شفاف از وضعیت داشته باشیم، سیستم‌های حسابداری صحیح داشته باشیم و استانداردهایی تعریف بشود و بعد منافع کارگران هم اولویت‌دار شوند، اهمیت زیادی دارد. کارگران باید بتوانند تشکل داشته باشند. کارفرمایان در ایران باید بتوانند جامعه خود را نمایندگی کنند. در اتاق بازرگانی چند هزار نفر در انتخابات شرکت می‌کنند. آیا فرد انتخاب شده با این میزان از مشارکت، می‌تواند نماینده منافع آنها شود. بنابراین بحث سه‌جانبه‌گری با تردید مواجه می‌شود.

❖ **شما با مفهوم خصوصی سازی مشکل ندارید؟ به دلیل ضعف‌هایی که در اتحادیه کارگری و جامعه مدنی داریم و شرایط خاص کشور، خصوصی سازی را نمی‌پسندید؟**

دولت حتی اگر بتواند رابطه بیمه‌شدگان و نهادهای مالی را تنظیم کند، این سیستم‌ها به نتایج مطلوب نمی‌رسد. ایران از نظر حمایت از حقوق سهام‌داران جزء، در بازار سهام در بین ۱۸۷ کشور رتبه ۱۷۹ را دارد. کسی که سهام‌دار است در بازار بورس ما نمی‌تواند از حقوق خود دفاع کند، در صندوق‌های بازنشستگی هم این مشکل رخ می‌دهد و باید پیچیدگی آنها دیده شود.

بازنشستگی کشوری هنوز تمامی اطلاعات افراد تحت پوشش را براساس کد ملی و سنوات در اختیار ندارد. گام نخست، داشتن تصویر روشن از وضعیت موجود است که ما با صندوقی مثل صندوق فولاد روبه‌رو نشویم. صندوق‌ها را بشناسیم و بدانیم که چه وضعیتی داریم. بعد تبدیل جریان اندیشه‌ای به یک گفتمان که تبدیل به دغدغه سیاست‌گذاران شود. شما نگاه کنید هر کدام از این راه‌حل‌ها، مثل تغییر سن بازنشستگی، تجمیع صندوق‌ها و ... حجم زیادی از میزان بحران فعلی را کاهش می‌دهد. متأسفانه این موارد هنوز در کشور تعریف نشده است.

❖ **در ریشه خیلی از این بحران‌ها به این نتیجه می‌رسیم که به صندوق به عنوان یک بازوی دولتی اشاره شده است. ما همیشه دنبال یک سری از راه‌کارها هستیم که این راه‌کارها روح‌های متمرکز دارد. تحقیقی انجام شده که صندوق بازنشستگی عمومی امکان ندارد فشار سیاسی بر آن وارد نشود. حتی حزب جمهوری خواه آمریکا هم از صندوق‌ها استفاده‌هایی می‌کند. بهتر نیست که بگوییم دولت صندوق‌ها را رها کند و صندوق‌ها را به بازار آزاد بسپاریم؟**

من که می‌گویم باید جریان کارشناسی روی صندوق‌ها به وجود بیاید، برای پاسخ به همین سؤال است. یکی از بحث‌ها این است که صندوق‌ها به صورت سه‌جانبه اداره شوند. شما چیزی به عنوان اتحادیه کارگری یا کارفرمایی در کشور ندارید. بعد از انقلاب ما چند رئیس‌جمهور دیده‌ایم اما در اتحادیه کارفرمایی، از سال ۵۵ تا حالا تغییری دیده نمی‌شود. به همین دلیل وقتی شما می‌گویید که می‌خواهیم دوجانبه‌گرایی، یا سه‌جانبه‌گرایی داشته باشیم اصلاً مصداق خارجی در کشور وجود ندارد. در حوزه صندوق‌های بازنشستگی حداقل در یک لایه، دولت‌ها نه به عنوان مالک، بلکه باید به عنوان تنظیم‌گر وارد شوند که در ایران خیلی سخت است. اما اینکه مدیریت با این شرایط سخت و کژکارکردی‌های نهادی به بخش خصوصی واگذار شود، نه صحیح است و نه به صلاح. ❖ **خب یک نهاد تنظیم‌گری می‌گذاریم مانند ساختاری که برای بانک‌ها باید وجود داشته باشد، اما بیمه‌های بازنشستگی در قالب یک نهاد شرکی می‌توانند ایجاد شوند و لزومی ندارد که ما یک نهاد دولتی بگذاریم. هیچ‌وقت آن آرمان شهر به وجود نمی‌آید که از فشارهای سیاسی خارج شود و با استفاده‌های پوپولیستی از آنها نشود. این اتفاقاتی است که برای یک صندوق بازنشستگی حتماً رخ خواهد داد. ما چندلایه‌ای هستیم؟**

تمام صندوق‌هایی که در بخش عمومی هستند و در قالب بیمه‌های اجتماعی تعریف شده‌اند، اهداف کاهش فقر و توزیع درآمد را دنبال می‌کنند. اینها هم ساختارشان و هم مدیریت‌شان دولتی است و منابعشان عمدتاً از منابعی است که دولت ضمانت و تأمین می‌کند. منتها لایه‌های بعدی و اتفاقی که افتاده اینکه چون در دولت‌های رفاه هزینه‌های اعمال بیمه‌های اجتماعی به سرعت افزایش پیدا کرد، فشار مالی زیادی بر سیستم مالیاتی آورد و با توجه به رقابتی که در سطح اتحادیه اروپا، آمریکا و دنیا مطرح بود، برای کاهش این فشار مالیاتی بخشی از این تعهدات لایه اول را به سیستم‌های اجباری به نام بیمه‌های تکمیلی منتقل کردند و بخش قابل‌توجهی از افراد تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی را در آن قالب سیستم‌های ذخیره‌ای، حساب‌های انفرادی و اجباری بردند. البته به لحاظ پوشش هنوز هم سهم لایه اول نسبت به لایه دوم بیشتر است. در حوزه بیمه‌های خصوصی، کارفرما یا بیمه‌های شغلی به جز تشویق‌های خاصی که به لحاظ مالیاتی دولت دارد، معمولاً مشارکت هم برای کارفرما و خود بیمه‌شده است. دولت

برای
دوجانبه‌گرایی،
یا
سه‌جانبه‌گرایی
اصلاً مصداق
خارجی در
کشور وجود
ندارد. در حوزه
صندوق‌های
بازنشستگی
حداقل در یک
لایه، دولت‌ها نه
به عنوان مالک،
بلکه باید به
عنوان تنظیم‌گر
وارد شوند
که در ایران
خیلی سخت
است. اما اینکه
مدیریت با این
شرایط سخت
و کژکارکردی‌های
نهادهای به بخش
خصوصی واگذار
شود، نه صحیح
است و نه به
صلاح.